



گاہنامہ فرهنگ سلسلے واجتماعی علم

شماره سی ام | بهار ۱۴۰۲

پسیج دانشجوئے شہید آیت نجف آباد

آنچه در این شماره میخوانید:

روایت راهیان نور

عدالت آموزشی

دیپلماسی







گاہنامہ فرہنگیہ سیاسی و اجتماعی

# عمار

شمارہ سہ ماہی

مدیر مسئول: محمد امین ارفیلیان

رہبر: محسن قندی

طراح: امیر محمد عنبرے

ہیئت تحریریہ: وحید صف آرا، بہنام زمانیان، شادمہر

عسگریان، محمد محمدی، عارفہ فتح، علی برزوی،

سید احمد عبداللہ، مسعود ہاشمی

@Ammarjournal

راہ ہائے ارتباط ایتا و روش:

ایمیل روابط عمومی نشریہ عمار: ammar.journal.cfu@gmail.com

سایت بسیج دانشجویی دانشگاه شهید دکترا آیت نجف آباد: ayatbso.ir

آدرس: - دانشگاه فرهنگیان شهید دکترا آیت نجف آباد

بسیج دانشجویی دانشگاه شهید دکترا آیت نجف آباد





۱۵ دیپلماسی



۲ عدالت آموزشی



۱۱ افراد خجالتی بر خورد یا

۶ راهیان نور



۱۳ سند تحول



۳ سخن مدیر مسئول اسر دبیر

۱۹ جیغ بزنید!



۱۲ تحصیل کرونایی



۱۶ معرفی کتاب (تربیت جنسی)







## سخن مدیر مسئول

بسم رب الحسین  
عاشقان علم عارف میشوند  
بهترین مردم معلم میشوند  
عشق با دانش متمم می شود  
هر که عاشق شد معلم میشود

خداوند منان را شاکریم که توفیق قرارگیری در مسیر پر افتخار معلمی را نصیب و روزیمان کرد امسال. توفیق اجباری که نصیب ما شد این بود که وارد مدرسه بشویم در صورتی که هنوز دانشجو معلم محسوب می شویم. اما خدا را باز هم شاکریم. معلمی چیزه ساده ای نیست که راحت بخواهیم از آن صحبت کنیم. باید با عشق فراوان به سمت آن دوید. اگر عشق را از مسیر معلمی فاکتور بگیریم، در مسیر غیر قرار میگیرم که بسیار اذیت کننده است برای مان. و اما چه چیزی شیرین تر از معلمی و همچنین مهم تر از معلمی. معلمی برای خود معلم هم مهم است. آری امسال در کلاس درس، در هر روز ۳۳ درس و نکته جدید از هر دانش آموزم یاد می گرفتیم. اشکالات خودم را با مواجهه با آنها یافتیم و حتی روش اصلاح را از خود همین بچه ها یاد گرفتیم. چه شیرین است این مسیر....

و همچنین چه مسیر جدی را وارد شده ایم! چه قدر خطاهای کوچک فردی ما، در کلاس درس تبدیل به خطای راهبردی می شود! باید دقت کرد و کوشید در این مسیر اشتباه معامله نکنیم.

خدایا به من و همه عاشقان معلمی توفیق عمر با برکت در این مسیر عطا فرما...





## سخن سردبیر

سال های زیادی نشریه دانشجویی عمار با هدف اطلاع رسانی و آگاهی بخشی در خدمت شما بوده، شاهد ما شماره های قدیمی داخل ویتترین ساختمان آموزش است.

همیشه قدیمی ها حرف های بیشتری برای گفتن دارند. گذشته تجربه ی ما برای تصویرگری امروز و برنامه ریزی آینده است.

خبر خوبی (در آینده بسیار نزدیک) در راه است.  
(جهت تاکید بسیار بسیار نزدیک)





# راهپیمایی کربلا





# راهبرستان نور



## بسم رب الشهداء

شکر خداوند عزوجل را که توفیق خدمت در راه شهدا و همچنین نشستن بر سر سفره عشق شهیدان عالی قدر را عطا نمود.

الحمد لله که توانستیم همراه این قافله قدم به قدم در مسیر کربلای شهیدان همراه با پرستوان سبک بال رهسپار شویم و دلهایمان را به آنان بسپاریم و از بند دنیا برهانیم.

مسیری که سراسر نور و عشق و رشادت و جانفشانی و ایثار انسانهایی است که دل را به خدا داده و از دنیای رنگین خود دل کنده و راهی دیار عشق و وصال شدند.

از خدای منان خواستاریم زندگی ما را زندگی شهادت گونه و مرگ ما را شهادت در راه خود مقدر نماید و ان شاء الله پاسدار خون پاک این شهیدان عزیز باشیم. ومن الله توفیق...

«هدیه نثار روح پاک و ملکوتی همه شهیدان و امام شهیدان صلوات»





# عدالت آموزشی



اگر از ما بخواهند کہ از عدالت آموزشی صحبت نماییم ، شاید بہ راحتی نتوانیم اما اگر از ما بخواهند کہ نمونہ های از بی عدالتی آموزشی را در محیط خود برشماریم بہ راحتی میتوانیم این کار را انجام دہیم و کار دشواری در پیش نخواہیم داشت؛ مخصوصاً اگر شغل ما بہ نحوی مرتبط با آموزش و پرورش باشد یا از والدینی باشیم کہ بہ اصطلاح، بچہ مدرسہ ای دارند. از نمونہ های شناختہ شدہ تر بی عدالتی آموزشی، وضعیت نامناسب مدارس ، معلمان و دانش آموزان مناطق محروم و دور افتادہ ، چندنوبتہ بودن برخی مدارس ، سہم کم آموزش و پرورش از بودجہ های عمومی ، دستمزد پایین معلمان ، نبود تجهیزات آموزشی و رفاهی مناسب در بسیاری از مدارس است این ہا مواردی است. این ہا مواردی است کہ کمتر کسی در نا عادلانہ بودن آنها تردید دارد اما مواردی مناقشہ برانگیز تر ہم وجود دارد کہ وضعیتشان چندان روشن نیست و اینکہ آیا باید آنها را از مصادیق بی عدالتی آموزشی بہ حساب آوریم یا نہ ، بہ میزان زیادی بہ نظر و سلیقہ شخصی ما و حتی بہ اینکہ خود در کدام شہر و با چہ وضعیتی زندگی می کنیم و آیا جز اقلیت های اجتماعی ہستیم یا نہ بستگی دارد.

آیا وجود مدارس خاص برای کسانی کہ بہ اصطلاح تیز ہوش خواندہ می شوند نوعی بی عدالتی آموزشی نیست؟  
آیا محدود کردن ہدف آموزش و پرورش بہ موفقیت در آزمون سراسری نوعی بی عدالتی آموزشی نیست؟

برای داشتن تعریفی دقیق از عدالت آموزشی ، لازم است ابتدا تعریفی از عدالت و انواع آن در دست داشته باشیم. در عرف روزمرہ، شخص عادل معمولاً کسی است کہ اعمال اخلاقی انجام می دہد و در رابطہ اش با دیگران ، حق کسی را زیر پا نمی گذارد. اگر ہمین تعریف اولیہ را مبنا قرار دہیم با ایجاد تغییرات مناسبی در آن ، می توانیم از نظام سیاسی و دولت عادل نیز سخن بگوییم: نظام سیاسی و دولت عادل پایبند بہ اصول اخلاقی است و حق شہروندان را پایمال نمی کند. چہار نوع عدالت در یک نظام سیاسی وجود دارد این چہار نوع عدالت عبارتند از: عدالت توزیعی، عدالت رویہ ای ، عدالت ترمیمی و عدالت کیفری.

عدالت توزیعی یعنی اینکہ دولت در توزیع خدمات و امکانات میان افراد و گروہ ہا جانب انصاف و برابری را نگہ دارد.

عدالت رویہ ای این است کہ برای توزیع عادلانہ خدمات و امکانات میان شہروندان لازم است رویہ ہا ، روال ہا و قوانینی کہ طبق آن ہا چنین مواردی میان شہروندان توزیع می شود ، عادلانہ طراحی شدہ باشند تا نتیجہ بہ کارگیری شان بہ عدالت توزیعی منجر شود.

عدالت ترمیمی در این نوع عدالت بہ این نکتہ توجہ می شود کہ چنانچہ بہ دلیلی در عدالت توزیعی و رویہ ای مشکلی وجود داشت و فرد یا گروہی نتوانست از خدمات و امکانات بہ طور عادلانہ برخوردار شود ، باید این حق در اختیار او باشد کہ بہ وضع موجود اعتراض کند و چنانچہ اعتراضش درست تشخیص دادہ شد ، برای جبران و ترمیم حقی کہ از او ضایع شدہ است ، اقداماتی مناسب صورت گیرد.

عدالت کیفری بہ نظام و دستگاہ قضایی مربوط است. فرد ، نہاد و دستگاہی کہ مرتکب بی عدالتی شدہ است، باید مجازات و کیفر شود. مطابق عدالت کیفری، لازم است ہم اصل مجازات فرد و گروہ خاطی بہ رسمیت شناختہ شود و ہم میزان مجازات او متناسب با بی عدالتی صورت گرفتہ تعیین و اعمال گردد.





اکنون با پیش چشم داشتن این چهار نوع عدالت، میتوان عدالت آموزشی را بهتر و دقیق تر بررسی کرد. آموزش به ویژه آموزش همگانی و عمومی، یکی از مواردی است که انجام آن در جوامع مدرن معمولاً بر عهده دولت‌ها گذارده می شود. دلیل این امر آن است که چنانچه آموزش عمومی و محتوای آن به بخش خصوصی واگذار شود، به دلیل سود آور نبودن شاید بخش خصوصی رغبتی به پذیرش و انجام آن نداشته باشد، یا اگر هم آن را به عهده گیرد، برای سودآور کردن آن در کوتاه مدت محتوای آموزشی را به سمتی سوق دهد که منافع کوتاه مدت خود را تأمین کند نه منافع بلندمدت جامعه را. به همین دلیل، حتی در کشورهای غربی نیز که نظام سرمایه داری و بازار آزاد حاکم است، آموزش عمومی در رده اموری مانند تأمین امنیت قرار می گیرد که کنترل و جهت دهی آن باید در اختیار دولت و نهادهای عمومی باشد تا دستخوش منفعت طلبی های بخش خصوصی نشود. اکنون با توجه به اینکه آموزش عمومی از خدماتی است که دولت به شهروندان خود ارائه می کند، آشکار است که عدالت آموزشی از سنخ عدالت توزیعی است؛



به این معنا که دولت باید در توزیع خدمات آموزشی جانب عدالت و انصاف را نگاه دارد. با توجه به این نکات می توان عدالت آموزشی را به اختصار این چنین تعریف کرد: (دولت باید امکانات و تسهیلات آموزشی پایه را در سطحی قابل قبول برای همه کودکان، فارغ از طبقه اجتماعی، پس زمینه های قومی، جنسیت، توانایی های شناختی، مذهب، سطح درآمد فراهم کند). آنچه در این تعریف اهمیت دارد، وجود عنصری مساوات طلبانه است دولت موظف است سطحی پایه و اولیه از خدمات آموزشی را در دسترس همه کودکان جامعه، فارغ از هر عاملی که ممکن است میان آنان تفاوت ایجاد کند، قرار دهد. این سطح و حد پایه باید چنان باشد که غنای زندگی فردی و جمعی کودکان را در آینده تضمین کند. وجود چنین سطح پایه و همگانی آموزش تضمین کننده نوعی عدالت اجتماعی است هر آنچه بیشتر و بالاتر از این سطح پایه باشد، امری است که بخش خصوصی می تواند در آن سرمایه گذاری کند و انجام دادنش را برعهده بگیرد.

منظور از امکانات آموزشی و فرصت یادگیری چیست؟ امکانات آموزشی و فرصت یادگیری، نامساوی تقسیم شده است. منظور از امکانات آموزشی و فرصت یادگیری هم صرفاً میز و صندلی و کامپیوتر نیست که با توزیع خوب آن عدالت آموزشی رخ دهد بلکه مهم تر از آن فرصت یادگیری و منابع انسانی است؛ یعنی شرایطی فراهم شود که یک معلم مجرب و با استعداد و توانمند در روستاها و مناطق مرزی خدمت کند اکنون شرایط ما این گونه نیست. برای اینکه فردی با این توان و ظرفیت بالا برود در مناطق روستایی و مرزی تدریس کند ده ها زیرساخت اولیه نیاز دارد. در کار باید الزاماتی فراهم شود که به لحاظ مادی تأمین باشد و همچنین شرایطی باشد که خانواده وی نیز همراهی اش کنند و گرنه فرستادن امکانات مادی چندان سخت نیست. برنامه های درسی در کشور ایران اکنون به گونه ای است که یک کتاب درسی برای کل کشور تعریف می شود. این در حالی است که ما در کشوری با تنوع فرهنگی بسیار زیاد قرار گرفته ایم. در گذشته تصور این بود که این تنوع فرهنگی یک تهدید برای کشور است و اگر مانند ژاپن یک فرهنگ داشتیم بهتر بود اما در شرایط کنونی به این نتیجه رسیده اند که این تنوع اقوام یک فرصت جدی است و باید مدیریت شود. تعامل میان این تنوع اقوام قطعاً تعالی فرهنگی را به همراه خواهد داشت زیرا کشور ایران جزء ۱۱ کشور جهان است که از تنوع اقوام برخوردار است و این تنوع اقوام قدمت فرهنگی بسیار زیادی دارد.





در این شرایط اقوام مختلف یکدیگر را یافته‌اند و مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی می‌کنند و همین مسئله کشور ایران را رشد داده است. اگر مدیریت سیستم آموزشی درک کند و متناسب با اقتضای آموزشی برای این تنوع فرهنگی برنامه ریزی داشته باشد یک فرصت بسیار خوب خواهد بود. متأسفانه اکنون یک کتاب برای کل کشور است و بچه‌های مشهدی، لر، کرد و بلوچ یک کتاب می‌خوانند در حالی که فرهنگشان با هم متفاوت است. علت تأکید بسیار زیاد بر فرهنگ این است که آموزش به‌طور کلی یک مؤلفه فرهنگی است و نگاه به مقوله آموزش و پرورش یک نگاه فرهنگی است و در بستر فرهنگ جامعه تداوم دارد و با فرهنگ جامعه سیستم آموزشی باید دادوستد داشته باشد.

عدالت توزیعی و آموزشی از دیدگاه جان راولز یکی از شناخته شده ترین متفکرانی که در قرن بیستم درباره عدالت توزیعی نظریه پردازی کرده فیلسوفی به نام جان راولز است می‌توان از آنچه او گفته است، در قلمرو عدالت آموزشی نیز بهره برد. راولز می‌گوید: برای تصمیم‌گیری درباره اینکه فلان عمل، تصمیم یا سیاست خاص - که به توزیع برخی خدمات و امکانات مربوط می‌شود - عادلانه است یا خیر باید خود را در وضعیتی قرار دهیم که تعلقات طبقاتی و قومی و جنسیتی و اجتماعی ما تا حد امکان در تصمیم‌گیری مان اثر نگذارد. برای این کار او پیشنهاد می‌کند که تصمیم‌گیرندگان خود را پشت پرده جهل فرض کنند. منظور از این اصطلاح آن است که تصمیم‌گیرندگان فرض کنند قرار است برای دنیای تصمیم‌گیرندگان که معلوم نیست خود در آن چه جایگاه و موقعیتی خواهند داشت. مثلاً معلوم نیست در آن دنیای فرضی ثروتمند خواهد بود یا فقیر، جزء اقلیت‌ها یا اکثریت‌های دینی خواهند بود، زن خواهند بود یا مرد. از نظر راولز در چنین وضعی تصمیم‌گیرندگان از آنجا که نمی‌دانند خود در آینده جزء کدام طبقه خواهند بود به سمت تصمیم‌گیری‌های

خواهند رفت که طبق آن‌ها پایین‌ترین و آسیب‌پذیرترین طبقات اجتماعی از حداقلی از امکانات برخوردارند، چرا که آنها ممکن است خود از قضا جزء همان گروه‌های آسیب‌پذیر باشند.

بنابر عدالت، انصاف و حتی منفعت جویی شخصی،

لازم است فرد تصمیمی بگیرد که کف و پایه برخورداری طبقات پایین اجتماعی را افزایش دهد، نه اینکه در جهت منافع و مزایای اقشار و افراد برخوردار تر در جامعه باشد. طبق این ملاک نابرابری تنها در صورتی پذیرفتنی عادلانه است که وجود آن وضعیت پایین‌ترین افراد را در نظام اجتماعی بهتر کند و آنان را از امکانات بیشتری برخوردار سازد. ملاک راولز را می‌توان در مورد تصمیم‌گیری‌های مربوط به آموزش و پرورش نیز به کار برد. این تصمیم‌ها فقط تا زمانی اخلاقی و عادلانه اند که بهبود وضع پایین‌ترین و محروم‌ترین طبقات اجتماعی منجر شوند. حال با این ملاک می‌توان به نمونه‌هایی که در ابتدای این نوشته ذکر کردیم بازگشت و دید آیا آنها در جهت عدالت آموزشی هستند یا خیر. مثلاً در مورد مدرسه‌های خاص برای افرادی که به اصطلاح تیزهوش نامیده می‌شوند توجه کنید. این موضوع در بسیاری از کشورهای جهان مطرح بوده و مناقشات و بحث‌های گوناگون را ایجاد کرده است. طبق ملاک راولز، اگر به وجود این مدارس با این توجیه پذیرفته شده باشد که به دلیل نازل بودن سطح و کیفیت آموزش در مدارس عمومی و دولتی افراد دارای استعدادهای برتر در این مدارس به اصطلاح تلف خواهند شد و بنابراین لازم است برای آنان تدابیر آموزشی خاصی در نظر گرفته شود، کاملاً مغایر با عدالت آموزشی است. همان‌گونه که گفته شد، عدالت آموزشی می‌طلبد که نوعی برابری در دسترسی به حداقل امکانات آموزشی پایه برای همگان وجود داشته باشد و چنانچه چنین امکاناتی در دسترس نیست، وظیفه دولت فراهم آوردن آن برای همگان است نه استثنا کردن عده‌ای با نام تیزهوش و امکانات آموزشی خاص را در اختیار آنان گذاشتن و رها کردن سطح عمومی آموزش به شکل سابق. چنین سیاست نخبه‌پرورانه‌ای اگر به بهبود سطح عمومی آموزش همراه نباشد، حتماً مغایر عدالت آموزشی است. نکته جالب اینکه امروزه حتی در بسیاری از کشورهای غربی - که از سطح آموزشی عمومی مطلوبی هم برخوردار هستند - تشکیل مدارس خاص برای تیزهوشان چندان مورد تأیید و حمایت سیاست‌گذاران نیست و آنان این کار را در مسیر عدالت آموزشی نمی‌بینند. دلیل این امر آن است که کارشناسان معتقدند اولامبنای محکمی برای جدا کردن افراد تیزهوش از افراد عادی وجود ندارد و ملاک‌هایی چون ضریب هوشی و ... در معرض نقدهای جدی است.

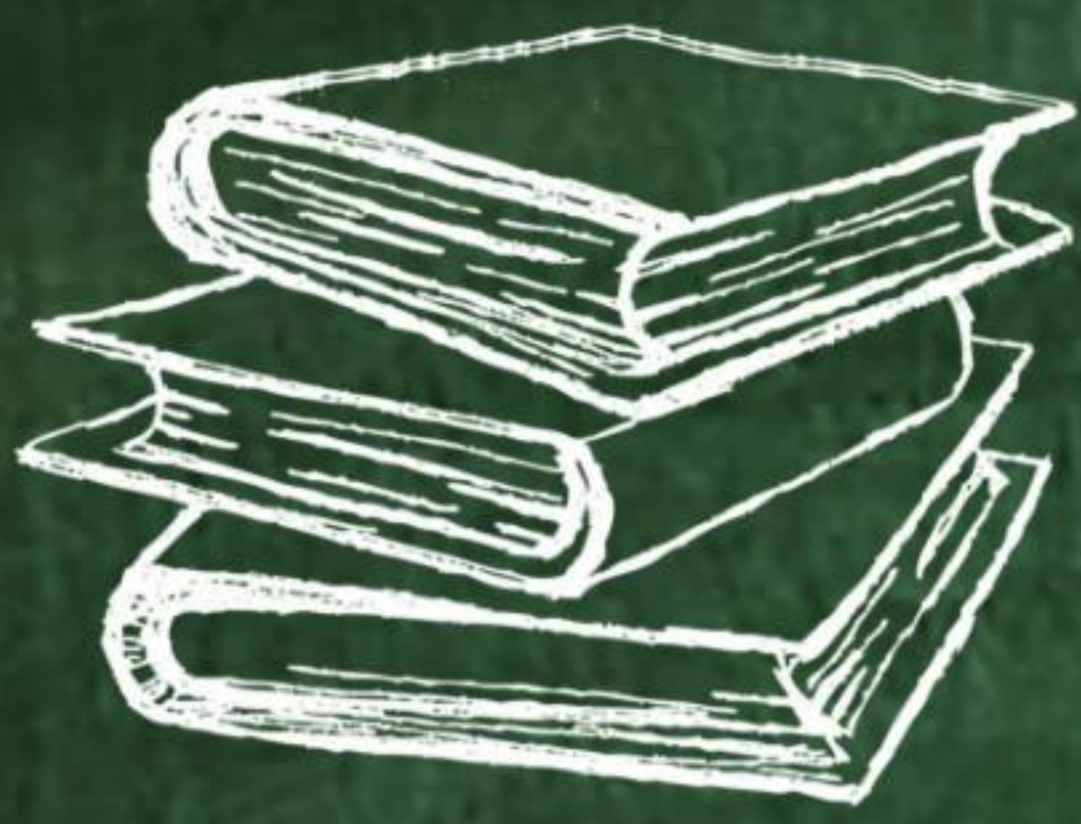




ثانیاً با فرض وجود چنین ملاک‌هایی، وجود دانش آموزان تیزهوش در مدارس و کلاس‌های معمولی و تلاش معلمان برای فراهم آوردن مواد و محتواهایی که برای آنان به اندازه کافی جالب و جذاب و چالش برانگیز باشد خود باعث ارتقای سطح عمومی آموزش در مدارس خواهد بود. بنابراین باز هم با توسل به ملاک راولز، چون توزیع تیزهوشان در مدارس عادی سطح عمومی آموزش را برای همه ارتقا خواهد داد، چنین کاری در مسیر عدالت آموزشی است. تصمیم گیرندگان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش می‌توانند در مورد عادلانه بودن یا نبودن سایر نمونه‌ها و موارد مطرح شده بر اساس ملاک عدالت توزیعی تأمل کنند و در بحثی همگانی این موضوع‌ها را با عموم افراد جامعه طرح و بررسی نمایند. تنوع افراد شرکت‌کننده در چنین بحث‌هایی تضمین می‌کند که تصمیم‌نهایی بیشتر در جهت عدالت آموزشی است.

نگاه سند تحول بنیادین به عدالت آموزشی

یکی از راهبردهای جدی سند تحول، بحث عدالت آموزشی است. البته در آنجا واژه عدالت تربیتی را داریم که اعم از آموزش و پرورش مصطلح امروز ما است. مجموعه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی رایج با عنوان تربیت یاد می‌شود. مجموعه فعالیت‌هایی که به تقویت مهارت‌ها و توانمندی‌های یک فرد و شایستگی‌های او در تمام ساحت‌های وجودی وی کمک می‌کند. در واقع وقتی گفته شود تربیت صرفاً تربیت مذهبی یا اخلاقی یا سیاسی مد نظر نیست، بلکه تربیت فناورانه، هنری، زیستی، بدنی همه مجموعه اینها را در سند تحول با واژه تربیت یاد کرده‌ایم؛ بنابراین گفته شده است تربیت در ساحت‌های شش‌گانه وجودی انسان. عدالت تربیتی یعنی عدالتی که به همه این ابعاد بتواند پردازد. برای مثال در مدارس دخترانه باید امکان ورزش باشد. وقتی دانش‌آموزان دختران ما در خانه یا خیابان امکان ورزش ندارند پس مدرسه باید این امکان را فراهم کند. اگر برای مدرسه یک آپارتمان کوچکی اجاره شود که صرفاً میز و نیمکت و معلم و درس دایر باشد و دانش‌آموز دختر ما امکان ورزش نداشته باشد حتی اگر در پایتخت باشد در حق وی بی‌عدالتی رخ داده است. پس برای تحقق عدالت باید به همه ابعاد وجودی انسان توجه کرد و برای رسیدن به این مرحله، کار سنگینی در پیش است.



مهم این است که نسلی داشته باشیم که همه ابعاد را در کنار هم داشته باشد و رشد متعادل و متوازن داشته باشد و هیچ بُعد از زندگی‌اش به دلیل حاکمیت ابعاد دیگر قربانی نشده باشد. نقدی که به مدرنیته و پست‌مدرنیته می‌شود نیز از همین نظر است. در واقع انسان‌ها را تک‌ساحتی کرده‌ایم و انسان‌ها در کاری تخصصی شده‌اند اما همه ابعاد وجودی‌شان رشد نکرده است. عدالت آموزشی و عدالت تربیتی زمانی محقق می‌شود که فرصت یادگیری برای رشد همه‌جانبه انسان فراهم باشد. اگر نظام آموزش و پرورش ما بتواند این فرصت یادگیری را ایجاد کند و یک انسان چند بُعدی تربیت کند پس می‌توان گفت سیستم، عادلانه برخورد کرده است اما اگر در هر بُعدی کم بگذارد به انسان، بی‌عدالتی شده زیرا اجازه رشد از او گرفته شده است.

منابع:

برگرفته از سایتهای:

۱. شورای عالی آموزش و پرورش
۲. شورای سیاست‌گذاری علمی کشور (حسین شیخ رضایی)







## هنگام کار مؤثر برای



## برخورد با افراد خجالتی



### ۱. پذیرش عدم برقراری ارتباطی مؤثر با فرد:

به طور کلی، برخی افراد خجالتی در ابتدای ارتباط کمی عقب نشینی کرده و به تدریج احساس خجالت را کنار گذاشته و تعامل مناسبی با سایرین برقرار می‌کنند. از سوی دیگر، برخی افراد خجالتی ممکن است بنا به دلایلی مانند عصبانیت مقطعی، ناراحتی و... در برخی مواقع از صحبت کردن با دیگران اجتناب کنند. در واقع، این گروه از افراد به رغم تلاش شما برای برقراری ارتباط مؤثر، آن‌ها تمایلی به تعامل ندارند.

در چنین شرایطی، نباید خود را سرزنش کرده یا در مقابل افراد خجالتی مسئول بدانید! به بیان دیگر، به یاد داشته باشید که هرگز تمامی مسئولیت برقراری ارتباط با فرد خجالتی را بر عهده ندارید. پس به عنوان یکی از چند روش برخورد با افراد خجالتی تمامی تلاش خود را به کار بگیرید تا فرد مقابل احساس راحتی داشته و بتواند با شما ارتباط برقرار کند؛ اما اگر او تمایلی به برقراری ارتباط نداشت، روی تصمیم خود پافشاری نکنید.

### ۲. رعایت کردن حریم شخصی فرد خجالتی:

افراد خجالتی معمولاً از جانب اطرافیان، دوستان و همکاران به محافظه کاری، کم حرفی، کم انرژی بودن و... متهم می‌شوند! در حالی که این افراد صرفاً کم صحبت بوده و زیاد در صحبت‌های جمعی ورود پیدا نمی‌کنند. در واقع، این ویژگی بدین معنی نیست که افراد خجالتی دیوانه و مغرور هستند یا به طور عمدی قصد دارند تا فضای مثبت گروه را به سمت تنش بکشانند؛ بلکه چنین افرادی فقط در ابتدا کم حرف هستند و نیاز به زمان دارند تا با سایر افراد پیرامون خود صمیمی شوند یا به روش خود گوشه‌ای نشسته و دیگران را تماشا کنند.

### ۳. در مورد ساکت یا خجالتی بودن افراد اظهار نظر نکنید!

افراد خجالتی از نظر دادن در مورد ساکت بودن آن‌ها یا خجالتی بودنشان متنفر هستند! در واقع، برخی افراد در چنین موقعیت‌هایی برخوردی تدافعی داشته و گروهی دیگر ممکن است واکنشی هوشمندانه نشان داده و سکوت را ترجیح دهند.

به هر حال به عنوان یکی دیگر از نکات مهم در روش برخورد با افراد خجالتی از نسبت دادن چنین خصوصیتی به افراد خجالتی دوری کنید و از به زبان آوردن جملاتی مانند «این دوست منه! اون کمی خجالتیه...!» یا «وای تو خجالتی هستی؟» به شدت اجتناب کنید!

### ۴. زمان دادن به فرد برای ایجاد صمیمیت:

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، افراد خجالتی ممکن است در ابتدای صحبت کمی احساس اضطراب (که شاید نوعی اضطراب اجتماعی باشد) کرده و از شما دوری کنند. همچنین این افراد ممکن است در چنین موقعیت‌هایی محتاطانه عمل کرده و واکنشی تدافعی داشته باشند.

پس از گذشت چند دقیقه اضطراب آنان از بین رفته و به تدریج با شما سخن می‌گویند. بنابراین به یاد داشته باشید که گاهی اوقات در برخورد با افراد خجالتی، تنها کاری که باید انجام دهید این است که کمی منتظر بمانید تا اضطراب آن‌ها از بین برود. همچنین اگر می‌بینید فردی خجالتی، در ابتدا با شما احساس صمیمیت ندارد، ناراحت نشوید؛ چرا که این موضوع صرفاً به احساسات درونی او مربوط می‌شود.

### ۵. زمان دادن به فرد برای پاسخ دادن:

در روش برخورد با افراد خجالتی باید به خاطر داشته باشید که به منظور برقراری ارتباطی بهتر، همیشه چند ثانیه به فرد مقابل زمان بدهید تا افکار و جملاتش را سامان داده و سپس شروع به سخن گفتن کند.

به عبارتی، برخی افراد در صورت مواجهه با عدم پاسخگویی فرد خجالتی، بلافاصله سخن گفتن را از سر می‌گیرند و فرصت حرف زدن را از او سلب می‌کنند! در چنین شرایطی، فرد خجالتی احساس نادیده گرفته شدن داشته و بیش از پیش بر احساسات اضطراب و خجالتش افزوده می‌شود.





## نہمیں کورونا ہے



مے روم دانشگاه!  
صبح تا عصر، سرم در گوشے ست

علم مے آموزم!  
علم در آن چه که تو می گوشے ست

جزوہ ہایے دارم؛  
کہ معطر شدہ بانکتہ ی ناب؛

آخرترم کہ شد،  
میکند هر ورقش، مغز، کباب!

نام من دانشجو است!...  
میشینم روزها، کنج اتاق...

سرعت نت، چه کم است...  
شده ام خسته و در مانده و چاق!

در کلاس بر خط،  
کیفیت مندی تحصیل، کم است!

چه بگویم دیگر...  
از شرایط، دل من، سیل غم است...

از خدا می خواهم،  
برسد آخر عمر کرونا!

با رعایت کردن،  
سالم و شاد بماند دل ما!





# سند تحول بنیادین آموزش و پرورش



در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی «انسان کامل» را پیدا می کند و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهای بشری به شکوفایی و کمال خواهد رسید.

در فصل اول سند تحول بنیادین که تحت عنوان «کلیات» نامگذاری شده است، اصطلاحات و واژگان کلیدی به کار رفته در سند مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند و تعریف شده اند. مانند: «نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی»، «تعلیم و تربیت»، «ساحت های تعلیم و تربیت»، «نظام معیار اسلامی»، «شایستگی های پایه»، «هویت»، «معلم و مربی»، «جامعه اسلامی»، «سنین لازم التعلیم»، «حیات طیبه»، «چشم انداز»، و «نظام دوری».

در فصل دوم که تحت «بیانیه ارزش ها» نامگذاری شده است، پس از بیان منابع ارزشی سند، به ۳۰ گزاره ارزشی که محور نظام تعلیم و تربیت است، اشاره شده است. از مهمترین این گزاره ها می توان به:

- ۱) آموزه های قرآن کریم
- ۲) آموزه های مهدویت و انتظار
- ۳) میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره) و... اشاره کرد.

فصل سوم تحت عنوان «بیانیه مأموریت» نامگذاری شده است که در این قسمت به این نکته اشاره شده است که نهاد آموزش و پرورش مأموریت دارد تا با تأکید بر شایستگی های پایه، زمینه دستیابی دانش آموزان در سنین لازم التعلیم طی دوازده پایه تحصیلی (چهار دوره سه ساله)، به مراتبی از

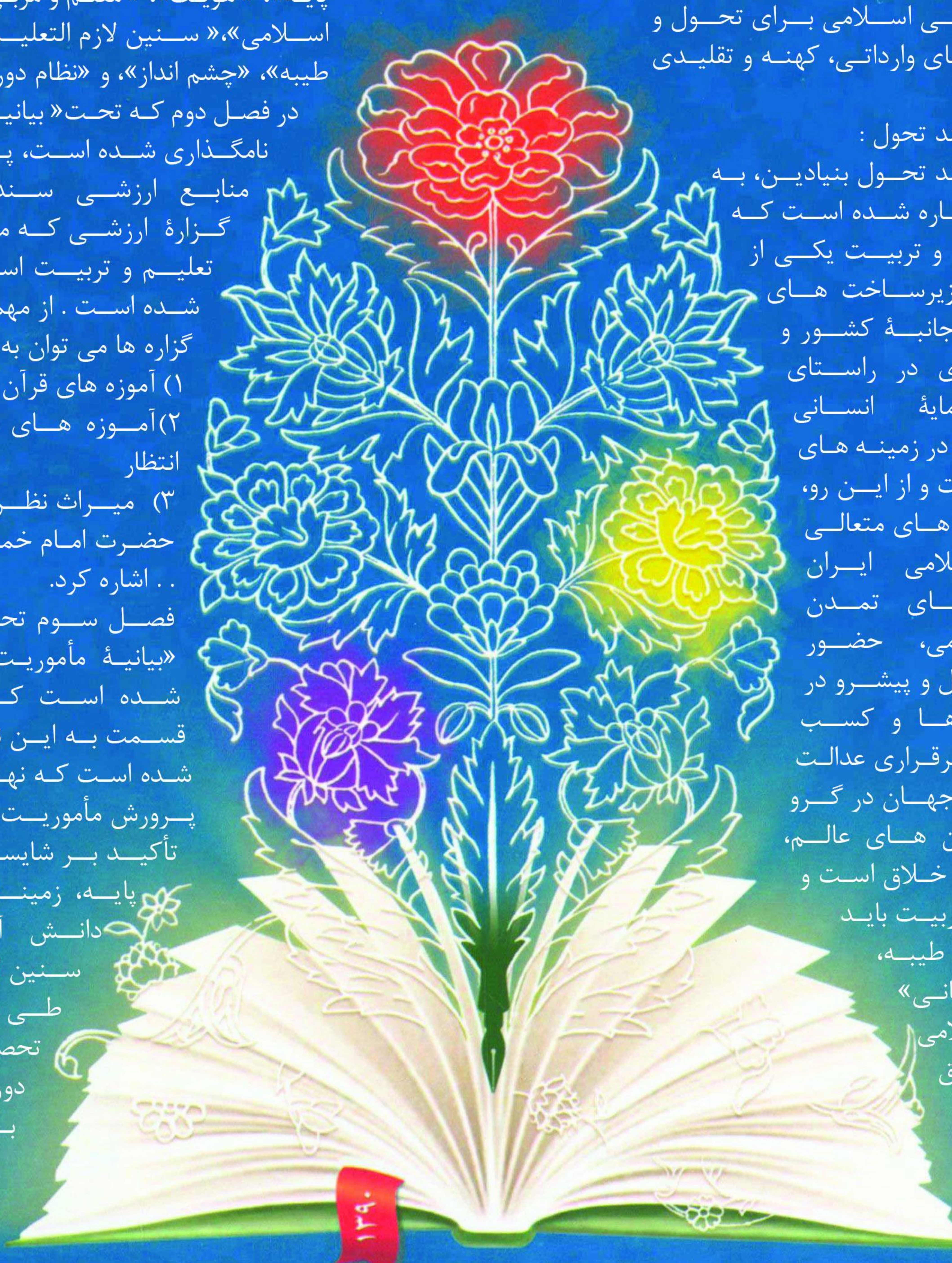
سند تحول بنیادی چیست؟

نقشه راه آموزش و پرورش است که توسط صاحب نظران با مشارکت متخصصان عرصه تعلیم و تربیت تدوین و تصویب شده است و آذرماه سال ۱۳۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهایی رسید. این سند در ۸ فصل تنظیم شده است. (تا به امروز که ده سال از آن می گذرد به اجرا در نیامده و به یک سند معطل تبدیل شده است.)

هدف از تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هدف از تدوین آن اجرای نظام آموزشی با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی و تدوین الگویی اسلامی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی است.

خلاصه ای از سند تحول:

در مقدمه سند تحول بنیادین، به این نکته اشاره شده است که عرصه تعلیم و تربیت یکی از مهم ترین زیرساخت های تعالی همه جانبه کشور و ابزاری جدی در راستای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در زمینه های گوناگون است و از این رو، تحقق آرمان های متعالی انقلاب اسلامی ایران همچون احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در بین ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان های عالم، متقی و آزاده و خلاق است و این تعلیم و تربیت باید بتواند «حیات طیبه، جامعه عدل جهانی» و «تمدن اسلامی ایرانی» را تحقق بخشید.





حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و حتی جهانی را به صورتی منسجم و نظامند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثر بخش فراهم سازد و انجام این مسئله مهم، نقشی زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت.

فصل چهارم که تحت عنوان «چشم انداز» نامگذاری شده است؛ به ویژگی های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴ می پردازد. در این فصل مبحثی ذیل عنوان «مدرسه در افق چشم انداز» مطرح گردیده است که طی آن به این نکته اشاره شده است که بر پایه چشم انداز ۱۴۰۴، «مدرسه جلوه ای از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه ی خدمات و فرصت های تعلیم و تربیت، زمینه ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود.

فصل پنجم تحت عنوان «هدف های کلان» نامگذاری گردیده است که در مجموع به ۸ هدف کلان زیر اشاره شده است:

- ۱) تربیت انسان متعهد
- ۲) ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت
- ۳) گسترش عدالت آموزشی
- ۴) برقراری نظام کارآمد مدیریت انسانی
- ۵) افزایش مشارکت همگانی
- ۶) بهسازی در نظام برنامه ریزی آموزشی
- ۷) افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت
- ۸) سب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام

فصل ششم ذیل عنوان «راهبردهای کلان» نامگذاری شده است که در این فصل، مجموعاً به ۱۵ راهبرد کلان اشاره شده است، همچنین به این موضوع پرداخته شده است که هر یک از این راهبردهای کلان با کدام یک از اهداف کلان که در فصل پیشین (یعنی فصل پنجم) بدان اشاره شده است متناظر و مرتبط است.

اما مفصل ترین فصل، فصل هفتم است که ذیل عنوان «هدف های عملیاتی و راهکارها» نامگذاری شده است. در این فصل، در مجموع فهرست ۲۳ راهکار کلی مختلف بیان شده است که در ذیل هر راهکار، جزئیات اجرایی و عملیاتی آن نیز مطرح شده است.

اهداف عملیاتی و راهکارهای سند تحول بنیادین :

- ۱) پرورش درست تربیت یافتگان (۲) تعمیق تربیت اسلامی (۳) ترویج فرهنگ حیا و عفاف
- ۴) تقویت بنیان خانواده (۵) تأمین و بسط عدالت آموزشی

۶) تنوع بخشی به محیط های یادگیری (۷) افزایش نقش مدرسه (۸) افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت در تعالی کشور (۹) جلب مشارکت ارکان موثر در تربیت (۱۰) ارقای منزلت اجتماعی فرهنگیان (۱۱) بازمهندسی اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم (۱۲) تأمین رفاه فرهنگیان (۱۳) افزایش نقش شوراهای آموزش و پرورش (۱۴) متناسب سازی فضاهای تربیتی با ویژگیهای دانش آموزان (۱۵) اصلاح محتوا و ارتقای جایگاه علوم انسانی (۱۶) تنوع بخشی در ارائه خدمات آموزشی (۱۷) استفاده از فناوری های نوین (۱۸) نوآوری در نظام تعلیم و تربیت رسمی (۱۹) استقرار نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت (۲۰) تأمین و تنوع بخشی منابع مالی و مدیریت مصرف (۲۱) بازنگری ساختارها و روشها (۲۲) ارتقا و بهبود مستمر کیفیت نظام کارشناسی و مدیریت آموزشی (۲۳) توسعه ظرفیت پژوهش و نوآوری.

در نهایت، فصل هشتم سند تحول بنیادین ذیل عنوان «چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش» نامگذاری شده است. در این فصل به این موضوع پرداخته شده است که برای تحقق اهداف و برنامه های سند ملی آموزش و پرورش در افق چشم انداز، سیاستگذاری، برنامه ریزی و نظارت بر فرآیند تحول بنیادین در دو سطح صورت می پذیرد:

بخش اول یا سطح اول، سیاستگذاری و تصمیم گیری کلان و همچنین نظارت و ارزیابی راهبردی فرآیند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر پایه این سند است که این امر مهم بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

بخش دوم یا سطح دوم مربوط به برنامه ریزی و نظام اجرایی است که در وهله ی اول شورای عالی آموزش و پرورش مسوولیت اجرایی سند را بر عهده دارد و در گام بعدی خود وزارت آموزش و پرورش مسوولیت نهادینه سازی و اجرای سند ملی آموزش و پرورش (شامل بنیان های نظری و سند تحول راهبردی) و طراحی و تدوین برنامه های اجرایی سند تحول راهبردی را بر عهده دارد.

اما در مجموع به این نکته اشاره شده است که تمام دستگاه و نهادها خصوصاً رسانه ی ملی موظفند در چارچوب این سند با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی همکاری لازم را به منظور تحقق اهداف تحول بنیادین آموزش و پرورش به عمل آورند و در پایان این فصل به موضوع نحوه ی ترمیم و بهروزرسانی سند

تحول بنیادین اشاره شده که طی آن این فرآیند در افق چشم انداز در بازه های زمانی پنج ساله از تاریخ تصویب آن و مطابق با بنیان های نظری سند ملی (فلسفه ی تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، فلسفه ی تعلیم و تربیت رسمی - عمومی در جمهوری اسلامی ایران) پس از تصویب از سوی شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب نهایی شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد رسید.







# دیپلماسی

دیپلماسی...؟!؟

اسم قشنگیه ولی اصلا چی هست ؟  
واژه دیپلماسی از جمله واژه های سیاسی مورد استفاده در عرصه های مناسبات بین المللی است و به معنی هدایت روابط بین افراد و گروهها و ملتها است دیپلماسی در گذشته بر سر موضوعاتی همچون روابط شخصی و خانوادگی پادشاهان دو کشور با یکدیگر یا مسئله جنگ و صلح مربوط می شد اما امروزه علاوه بر آنها موضوعاتی همچون روابط تجاری و فرهنگی علمی نیز محور مباحث دیپلماتیک بین کشورهای مختلف با یکدیگر و بین آنها با سازمان های بین المللی قرار گرفته است. دیپلماسی در واقع مجری سیاست های خارجی هر کشوری است که توسط حاکم آن کشور یا وزیر امور خارجه مشخص می شود و این به نوعی هنر ارتباط برقرار کردن سیاستمداران و سران کشورها را نشان میدهد.

دیپلمات کیست : به مقام های رسمی سیاسی فرهنگی اقتصادی و نظامی یک کشور نزد کشور یا سازمان بین المللی پذیرنده (دیپلمات) می گویند و در فرهنگ روابط دیپلماتیک عالی ترین مقام سیاسی در نزد کشور میزبان را (سفیر) می گویند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: در جمهوری اسلامی از همه مولفه های قدرت استفاده خواهد شد که یکی از اینها دیپلماسی و سیاست خارجی است تا منافع اقتصادی فرهنگی و امنیتی ملت را تامین کند رهبر معظم انقلاب در بیان اصول سیاست خارجی معتقد به ادامه خط امام و اصل تغییر ناپذیر (نه شرقی نه غربی) است و بر این نکته تاکید دارند که مهمترین اصل در

سیاست خارجی ما حمایت از هویت نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزش هاست. سه اصل (عزت حکمت و مصلحت) را یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین المللی نظام جمهوری اسلامی می دانند که نباید هیچگونه خدشه ای به آن وارد شود از نظر ایشان دفاع نکردن از مظلوم، کنار نیامدن با ظالم از جمله اصول مستحکم سیاست خارجی محسوب می شود که پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ نظام جمهوری اسلامی ایران حاضر به دست دوستی با همه کشورهای جهان بوده جز رژیم کودک و نامشروع شروع اسرائیل!!!!

به نظر شما چرا **عربستان** با وجود همه اختلاف ها حاضر به صلح با ایران شد؟

در اینجا به دو دلیل این کار می پردازیم  
(۱) گسترش بسیار زیاد قدرت منطقه ای ایران: کمک های مستشاری ایران به یمن و موفقیت های پی در پی حوثی ها، محاصره رژیم نامشروع اسرائیل توسط جبهه مقاومت، پس از ورود ایران به عراق و سوریه و شکست تاریخی داعش این را به عرب های ریاض متذکر می شود که بازی با دم شیر خطرناک است و هرگونه مخالفت با جمهوری اسلامی ایران می تواند عواقب بدی داشته باشد





(۲) تضعیف ایالات متحده آمریکا در منطقه تا چندین سال آمریکایی‌ها در منطقه آسیای غربی حضور بسیار زیادی داشتند و همین امر موجب دخالت‌های نابجای آنها در مسائل کشورها و غارت منابع آنها شده بود تا زمانی که با مقابله نظام جمهوری اسلامی ایران مواجه شدند آمریکایی‌ها با ترور سردار جبهه مقاومت شهید حاج قاسم سلیمانی کلید حذف خودشان را از منطقه زدند که مقام معظم رهبری در این باره فرمودند ما انتقام سخت خواهیم گرفت و این انتقام حذف و اخراج آمریکایی‌ها از منطقه است که اولین حرکت در تاریخ ۱۸ دی ماه سال ۱۳۹۸ با حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بزرگترین و راهبردی ترین پایگاه نظامی آمریکا در عراق بود که این حرکت حیرت تمام ملت‌های جهان را به همراه داشت. این آخرین تیر خشاب جمهوری اسلامی نبود و بعد از آن هیچ یک از پایگاه‌های آمریکایی در امان نبودند و حتی توسط بسیاری از گروه‌های وابسته به جبهه مقاومت مورد حمله قرار می‌گیرد و البته این را هم متذکر می‌شویم که آنها از کشورهای مثل افغانستان پا به فرار گذاشت.....!!

بله دوستان .....!!  
 (آمریکا ابرقدرت یک قرن جهان روز به روز افول پیدا می‌کند.....)



پس با این شرایط سعودی‌ها بهترین تصمیم را گرفتند و مطمئناً هیچ وقت با دوستی با ایرانی‌ها پیشیمان نمی‌شوند.

از حق نگذریم احیای روابط به سود جمهوری اسلامی ایران هم است از جمله:

(۱) ارتقای سطح تجارت‌ها و استفاده از ظرفیت خوب صادرات به این کشور که آورده‌های اقتصادی بیشماری دارد

(۲) بهبود هرچه بهتر روابط با سایر کشورهای عربی

(۳) اتمام خطرات امنیتی که در گذشته توسط حکومت عربستان علیه جمهوری اسلامی اعمال می‌شد.

در پایان امید است عصر جدیدی را دولت سیزدهم در رابطه با سیاست خارجی ایجاد کند و هیچ موقع روابط کشور را مثل دولتهای گذشته فدای برخی از کشورهای غربی نکند.

و سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

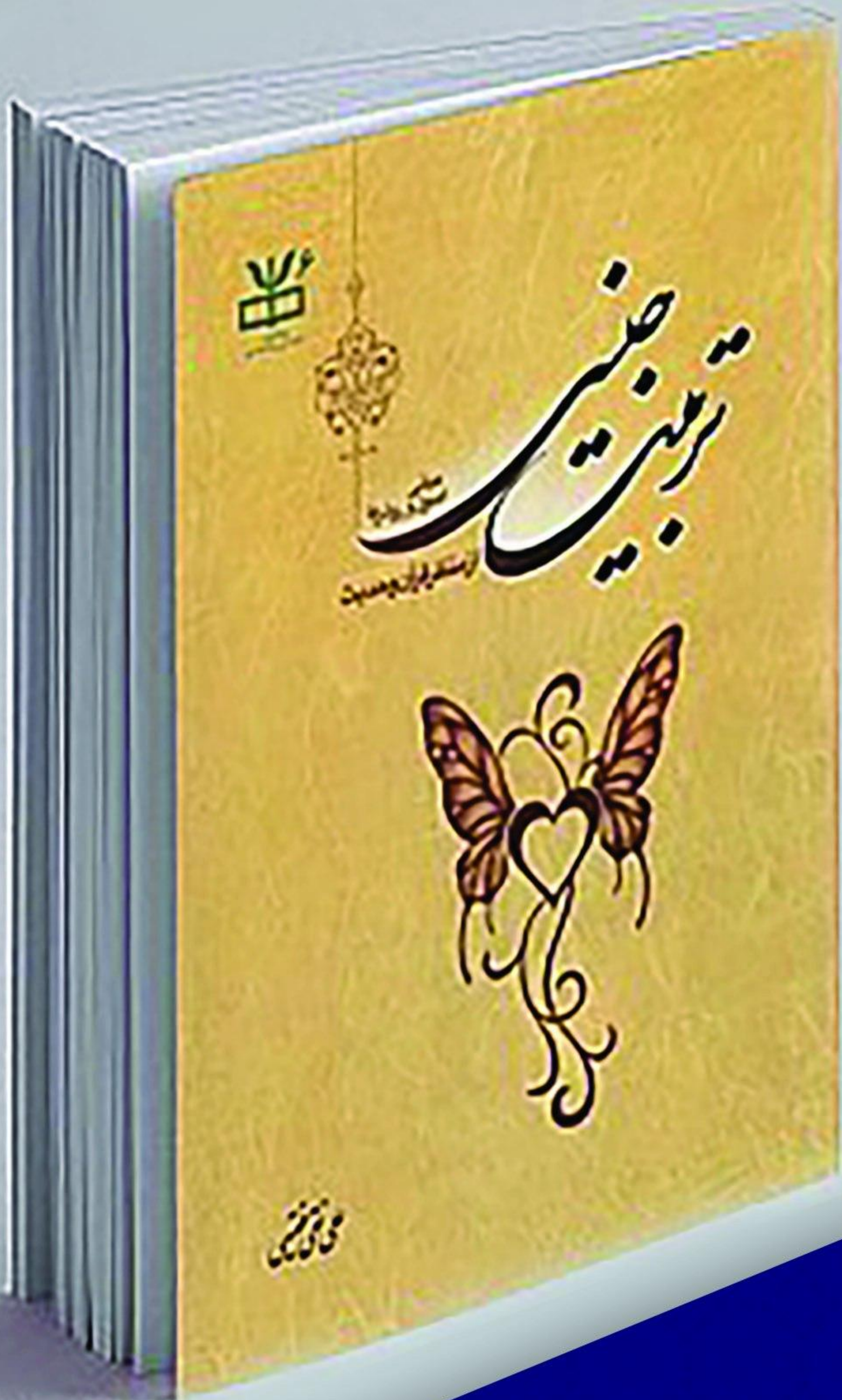






# معرفی کتاب

# تربیت جنسی



عنوان کتاب: تربیت جنسی  
نویسنده: دکتر علی نقی فقیہی  
قطع: وزیری  
جلد: ۱

نوبت چاپ: نهم  
تاریخ انتشار: ۱۳۹۳  
ناشر: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث



بدون تردید، بخشی از موفقیت‌ها و کامیابی‌های بشر در گرو تربیت جنسی است؛ چراکه تکامل و تعالی انسان، بسته به تربیت و خودسازی در همه ابعاد وجود اوست و غریزه جنسی یکی از این ابعاد است. لذا هر مکتبی که ادعای تأمین سعادت بشر را دارد، باید برای غریزه جنسی، برنامه داشته باشد و پاسخ روشنی به آن دهد. پرسش اساسی این است که: اسلام، چه برنامه‌ای برای تربیت جنسی دارد؟ و این برنامه از چه منطقی پیروی می‌کند؟ در آموزه‌های دینی ما، گزاره‌های فراوانی در این باره وجود دارد و تحقیقات متفاوتی نیز در این باره انجام شده و هر کدام با رویکردی خاص به این مسئله پرداخته اند. ساده‌ترین کار در قلمرو مطالعات دینی، جمع‌آوری آیات و احادیث و ارائه آنها در یک طبقه‌بندی ساده است که هر چند نیازمند به کار بستن روش‌های فقه الحدیثی است، اما کار چندان پیچیده‌ای نیست. پژوهش عمیق‌تر، آن است که اصول و مبانی آموزه‌ها استخراج شود و سپس مدل مبتنی بر آموزه‌های دینی طراحی گردد. این کتاب با متنی ساده و مملو از رجوع به نظریات مختلف جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه، محتوایی غنی با رجوع به آیات و احادیث در حوزه تربیت جنسی مبتنی بر مبانی دینی اسلام جمع‌آوری کرده است.

حجت الاسلام فقیهی، نویسنده کتاب که عضو انجمن تعلیم و تربیت حوزه نیز هست درباره این کتاب می‌گوید: تربیت جنسی باید از همان ابتدای طفولیت به گونه‌ای انجام شود که بتواند آرامش را در انسان‌ها تأمین کند. از دیگر خصیصه‌هایی که همه انسان‌ها دارند، زیبایی پسندی است. این قوه، به عنوان استعداد باید بارور شود. در هر مرحله‌ای از تربیت جنسی، آدمی از دوره طفولیت تا بزرگسالی مسایلی را زیبا می‌داند. از این رو، «زیباپسندی» از نکات مهم جهت‌دهی به مسیر رشد بشر است. البته این مقوله جنبه‌های مادی و معنوی دارد که باید پرورش آن به گونه‌ای باشد که هم زیبایی‌های مادی و هم زیبایی‌های معنوی را دربر بگیرد و انسان به تدریج زیبایی‌های معنوی را بر مادی ترجیح دهد... اگر از دوران کودکی، پایه تربیت جنسی فرزند به درستی و در خانواده‌ای سالم و بالنده شکل گیرد به گونه‌ای که والدین آگاهانه در خصوص نیازها و شرایط فرزند آگاهی داشته باشند و با وی دوستانه رفتار کنند، مشکلات به طور چشمگیری کاهش می‌یابد. چنان‌که بررسی‌ها نیز نشان می‌دهد افرادی که در خانواده‌های آشفته رشد یافته‌اند بیشتر در برابر آسیب‌ها و بزهکاری‌ها هستند. از نکات موثر در شکل‌گیری شخصیت فرزند سالم، بروز رفتارهای مهرآمیز به وسیله والدین است، زیرا شواهد حکایت از آن دارد که کمبود محبت به بروز مشکلاتی مانند چالش‌های جنسی در فرزندان منجر می‌شود.

منبع:

[/http://darolhadith.ir](http://darolhadith.ir)

[/http://pmbo.ir](http://pmbo.ir)







# جیغ بزنید!



یه روز سر کلاس درس تو مدرسه فرزانه‌گان بودم و کلاس‌مون نسبتاً شلوغ بود (حول و حوش ۳۰ نفر بودن) مدرسه دخترونه ای بود.

سر کلاس داشتیم درس می دادیم ساعت حدود ۲ بود و ساعت ۲:۲۰ دقیقه زنگ میخورد که بریم به سمت خونه که یه دفعه صدای عجیبی اومد مث انفجار (بووووم)

حیاط رو که نگاه کردم دیدم توی حوض آب داره تگنون میخوره و ریخت بیرون بچه ها هی میپرسیدن آقا چی شد (!)

من احساس می کردم که زلزله شده

گفتم که بچه ها چیزی نیست گوش بیدید (همه چی آرومه و اینا)

کلاس های بغل هی جیغ و داد می کردن

یکی از بچه ها پرسید آقا چه صدایی بود؟

ماهم می خواستیم کلاسو جمع کنیم. گفتم بچه ها صدای انفجار معدن درین بود کاری به ما نداره (یه معلم حرفه ای، دلیل مطابق با درسش میاره...)

یه بچه ها گفت آقا شما میخوای مارو بکشی، زلزله بود

گفتم نه انفجار بود مال درین دارن انفجار انجام میدن

یهو دیدم یه دختر اداره گریه میکنه گفتم چی شد؟ تو چرا داری گریه میکنی؟

گفت من بابام درین کار میکنه

گفتم نه بچه ها درین نبود زلزله بود

شام جیغ بزنید بیرون







گاہنامہ عمّار